



نقش لذت و سعادت در سیر تکاملی انسان با رویکرد آموزه‌های اسلامی

محمد حسن مشرف جوادی^۱ - اعظم کوهی اصفهانی^۲

دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۶

چکیده

در چند دهه اخیر بحث در خصوص نقد فلسفه اخلاق لذت‌گرایانه خودمحور در علم اقتصاد متعارف، مورد توجه اندیشمندان به ویژه اقتصاددانان مسلمان بوده است. مطالعه حاضر، درآمدی به موضوع لذت و سعادت با تمرکز بر رابطه آنها از منظر آیات و روایات است. فرضیه اساسی مقاله این است که اسلام در راستای مسئله سعادت‌گرایی در ارضای لذایذ، دیدگاهی همه‌جانبه، هماهنگ و متعادل در رشد ابعاد گوناگون شخصیت انسانی دارد. روش تحقیق برای شناسایی مفاهیم لذت و سعادت روش «اسنادی» و در قسمت تجزیه و تحلیل، روش «تحلیل محتوا» بوده است. نتایج مؤید این نکته است که از منظر اسلام، باید لذایذ به گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که با تمام استعدادها و اجزای شخصیت انسان هماهنگ باشد و انسان فقط با اعتقاد و درک درست از لذت‌های اخروی، به سعادت حقیقی نائل می‌شود. **کلیدواژه‌ها:** لذت و سعادت در آیات و روایات، سعادت و شقاوت در آموزه‌های اسلامی، اعتدال روحی، سیر تکامل انسان.

۱. عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان Email: mh.moshref@gmail.com

۲. کارشناس ارشد و مدرس علوم اقتصادی Email: koohi.esf@gmail.com

بحث لذت، سعادت و رابطه آنها، سابقه‌ای دیرینه در تمدن بشری به ویژه تمدن اسلامی دارد. انسان‌ها از دیرباز برای دستیابی به حداکثر رضایت و آرامش، به لذت‌گرایی، آن هم تنها از نوع مادی روآورده‌اند؛ این فلسفه در حیطه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جا باز کرده است؛ به طوری که امروزه به صورت هسته اصلی در اقتصاد پذیرفته شده است. فلاسفه اسلامی سعی کرده‌اند با استفاده از مبانی نقلی (قرآن، روایات) و با استدلال عقلی، جنبه وسیله‌ای بودن لذات را در هر مرحله از سیر تکاملی انسان نشان داده، با ارائه راهکارهای نظری و عملی، چگونگی طی طریق در این مسیر سعادت بخش به سمت قرب الهی را مشخص نمایند، ولی در یک نگاه کلی مشاهده می‌شود، اغلب متفکران اسلامی به جوانب خاصی از بحث لذت‌گرایی، از جمله «انواع و اقسام لذت و الم» و «علل برتری لذات عقلی بر لذات حسی» توجه داشته‌اند، اما در مورد ارائه یک فلسفه اجتماعی که امکان عملی ساختن زمینه‌های سعادت در جامعه و نظام‌سازی را فراهم سازد، به تنظیم و تدوین نظریه‌های اقتصادی اجتماعی بینجامد و راهکارهای عملی مناسبی را در جهت بهتر ساختن زندگی ارائه دهد، کار چندان برجسته‌ای صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر، درآمدی به موضوع لذت و سعادت با تمرکز بر رابطه آنها از منظر آیات و روایات است. فرضیه اساسی مقاله این است که اسلام در راستای مسئله سعادت‌گرایی، در ارضای لذایذ دیدگاه همه جانبه‌گرایانه، هماهنگ و متعادل در رشد ابعاد گوناگون شخصیت انسانی دارد. بدین منظور پس از بیان لذت و سعادت و رابطه بین آنها از دیدگاه متفکران اسلامی، این مفاهیم از منظر آیات قرآن و روایات بررسی می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در دو مرحله صورت گرفته است؛ برای گردآوری اطلاعات در زمینه مفاهیم لذت و سعادت از «روش اسنادی» استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش «تحلیل محتوا» در نظر گرفته شده است.

مطالعات انجام شده در این زمینه را می‌توان در دو بخش کلی مطرح کرد:

الف) مطالعاتی که به صورت مستقیم به بحث لذت و سعادت پرداخته است:

- آیه‌الله محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۸۲)، «لذت و سعادت از دیدگاه قرآن»؛ ولی غیبی (۱۳۹۰)، «رابطه لذت و سعادت از دیدگاه اپیکور و صدرالمتألهین»؛ حمید رضا خادمی (۱۳۸۶)، «سعادت و شقاوت در حیات جاودان از منظر ابن سینا».

ب) مطالعات با موضوع اقتصاد متعارف غرب که به نوعی به لذت و سعادت هم پرداخته‌اند:

- سید رضا حسینی (۱۳۷۸)، «نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره انسان اقتصادی»؛ حسین میرمعزی (۱۳۷۸)، «نقدی بر اهداف نظام سرمایه‌داری از دیدگاه اسلام».

به رغم مطالعات بسیاری که از جنبه‌های نظری در این زمینه از طرف محققان و فیلسوفان متقدم اسلامی صورت گرفته، در مورد ارائه یک فلسفه اجتماعی که امکان عملی ساختن زمینه‌های سعادت را در جامعه و نظام‌سازی را فراهم سازد و نهایتاً به تنظیم و تدوین نظریه‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی بینجامد، راهکارهای عملی مناسبی مشاهده نشده است.

تعریف لذت و الم، سعادت و شقاوت از دیدگاه متفکران اسلامی

«لذت» به معنای درک آن چیزی است که مورد درخواست و اشتیهای نفس است و نقیض آن را «الم» نامیده‌اند.^۱

ابن سینا در آثارش از لذت و الم دو تعریف ارائه داده است. وی در تعریف نخستین که همان تعریف مشهور اکثر متکلمان و فلاسفه است، لذت را ادراک ملائم و الم را ادراک منافی^۲ می‌داند. از منظر ابن سینا امر ملائم یا موافق، چیزی است که یا باعث کمال جوهر

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ص ۵۰۷.

۲. رازی، محمد بن زکریا، شرح عیون الحکمه، ج ۳-۱، الفصل التاسع، ص ۱۳۳.

شود و یا در کمال یافتن فعل خاص جوهر مؤثر باشد.^۱

وی تعریف دیگری از لذت و الم ارائه داده که نسبت به تعریف نخست جامع تر است: «لذت در حقیقت دریافت و رسیدن به چیزی است، از آن جهت که پیش دریافت کننده کمال و خیر است و الم و درد دریافت و رسیدن به چیزی است که پیش دریافت کننده آفت و شر است».^۲

مطابق با تعریف دوم، هر جا لذت و المی باشد ادراک نیز هست. در واقع تنها ادراک ملائم نیست، بلکه ادراک و نیل به ملائم نیز می باشد. براین اساس کسی که تصور خوردن غذا می کند مانند کسی که غذا می خورد احساس لذت نمی کند و یا اگر انسان علم دارد که شیرینی شیرین است باعث نمی شود شخص در ذائقه اش احساس لذت کند. بدین ترتیب حصول لذت و الم در ادراک ملائم و منافی نیست، بلکه در نیل و وصول به ملائم نیز می باشد.^۳

ملاصدرا در تعریف لذت و الم می گوید: لذت عین ادراک وجود کمال و الم عین ادراک آن چیزی است که ضد کمال است.^۴

مرحوم نراقی لذت را پیامد نیل به امور مطلوب، و الم را به فقدان و عدم وصول به آن امور تفسیر می کند و در تعریف لذت می گوید: لذت ادراک امری ملائم (با طبع و نفس انسانی) است و الم مقابل آن ادراک است.^۵

واژه سعادت، به معنای خوشبخت شدن، برخوردار شدن (از چیزی)، خوشحالی و سرور، می باشد، و سعید به معنای خوش یمن، مبارک و خجسته و پربرکت است. سعد و سعادت عبارت است از یاری شدن انسان توسط عوامل و دست اندرکاران

۱. بنگرید به: ابن سینا، علی بن حسین، رساله اضحویه، ص ۷۷.

۲. همو، الاشارات و التنبیها، ص ۳۳۷.

۳. رازی، محمد بن زکریا، المحاکمات بین شرحی الاشارات، ص ۴۲۲.

۴. شیرازی، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج ۱۴، ص ۱۲.

۵. نراقی، مهدی، اللعة الالهیه فی الحکمة المتعالیه و الکلمات الوجیزه، ص ۱۱۷.

۶. فرهنگ عمید، ص ۷۸۹.

الهی برای رسیدن به خیر و نیکی.^۱

ملاصدرا می‌گوید: «سعادت، وصول انسان به کمال، سرور و بهجت است.»^۲ از منظر وی وجود همان سعادت است و شعور و ادراک به وجود نیز سعادت است، اما از آنجا که وجود دارای مراتبی است سعادت نیز دارای مراتبی است و اشرف وجودات، وجود خداوند متعال است.^۳ ملاصدرا بالاترین لذت را معرفت خدا و صفات خداوند می‌داند و اینکه در وجود و هستی چیزی والاتر و برتر از حق و صفات حق و ملائکه آسمان‌ها و زمین و همچنین کتب و رسل نیست؛ و معرفت به اینها بالاترین ابتهاج است نسبت به خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها و ازدواج و... گرچه دنیا بین انسان و خدا حجاب شده است.^۴

مروری بر رابطه لذت و الم با سعادت و شقاوت از دیدگاه متفکران اسلامی

فلاسفه اسلامی از لحاظ مفهوم و معنا، لذت و سعادت و همچنین الم و شقاوت را از یکدیگر جدا شمرده و در مواردی که لذت و سعادت را عین یکدیگر دانسته‌اند،^۵ به نظر می‌رسد مرادشان از سعادت‌تی که عین لذت است، سعادت و لذت اخروی و در مرحله‌ی عالی آن، قرب الهی باشد؛ چون لذت پایدار در مفهوم سعادت و الم پایدار نیز در مفهوم شقاوت نهفته است و در آخرت کسی که احساس لذت می‌کند و کسی که سعادتمند می‌باشد دو فرد نیستند، بلکه هر فردی که در آخرت سعادتمند باشد، احساس لذت نیز می‌کند.

ابن سینا از سعادت به عنوان غایة الغایات و نهاية النهایات نام می‌برد و معتقد است که نتیجه‌ی این نوع سعادت، وصول به نعمت دائمی و فیوضات الهی است و این نوع سعادت از علایق و وابستگی‌های دنیوی به دور است.^۶

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۸۵.

۲. شیرازی، صدرالدین محمد، الاسفار الاربعه، ج ۹۹، ص ۱۲۱.

۳. همو، المبدأ و المعاد، ص ۳۶۳.

۴. همو، تفسیر القرآن الکریم، ص ۳۹۷.

۵. ابن سینا، علی بن حسین، الاشارات و التنبیها، ص ۳۳۵.

۶. ابن سینا، علی بن حسین، الرسائل، ص ۲۶۰.

از منظر مرحوم نراقی «اموری که با روح آدمی منافات دارند و از دردهای روح به شمار می‌روند، رذایل اخلاقی‌اند که نفس را به هلاکت می‌افکنند و شقاوت را پدید می‌آورند. صحت روح به بازگشت آن به فضایی است که او را به سعادت می‌رساند و او را به مجاورت اهل الله و مقربانش می‌رساند.»^۱

آدمی باید برای سعادت‌مندی نفس خود به رابطه و نگاهبانی از آن بپردازد که این مرگب از چهار چیز است؛ یعنی مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاقبه.^۲ از دیدگاه وی سعادت حقیقی در انسان کامل شدن و رسیدن به قرب الهی است.

استاد مطهری ضمن پذیرفتن ارتباط نزدیک میان مفهوم سعادت با مفهوم لذت، معتقد است سعادت مرادف با لذت و شقاوت مساوی با رنج نیست و می‌گوید: «آن لذت، سعادت شمرده می‌شود که مانع لذت بزرگ‌تر و یا موجب رنج بزرگ‌تری نباشد، و آن رنج شقاوت شمرده می‌شود که مانع رنج بزرگ‌تر و یا مقدمه لذت بزرگ‌تر نباشد.»^۳

وی در خصوص تفاوت‌های این دو می‌گوید: لذت و رنج، دائر مدار مطبوع و نامطبوع بودن یک چیز می‌باشند، و سعادت و شقاوت دائر مدار مصلحت بودن و مصلحت نبودن می‌باشند. لذت بخش بودن و لذت بخش نبودن چیزی مربوط است به یک قوه و استعداد خاص در وجود انسان، اما مصلحت بودن و نبودن مربوط است به مجموع قوا و استعدادها و جمیع شئون جسمی و روحی انسان. مطبوع و نامطبوع بودن تنها به زمان حال تعلق دارد، اما مصلحت به طور یکسان زمان حال و آینده را فرا می‌گیرد. انسان لذت را به هدایت غریزه انتخاب می‌کند ولی مصلحت را به کمک عقل می‌جوید. تشخیص لذت و نقطه مقابل آن، چون به غریزه بستگی دارد (که جنبه جزئی و محدود دارد) آسان است، اما تشخیص سعادت و نقطه مقابل آن، آسان نیست و به همین سبب بحث در «سعادت و شقاوت» جنبه کلی و فلسفی دارد.^۴

۱. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۲۴-۱۳۷.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۷، ص ۵۵.

۴. همان جا.

مصلحت بودن یک چیز عبارت است از اینکه آن چیز با در نظر گرفتن همه جوانب و عواقب، فایده بیشتری داشته باشد. از اینجا معلوم می شود این سخن که گفته می شود: «هر کس فطرتاً و طبیعتاً طالب سعادت خویش است» درست نیست. انسان تا وقتی که قوه عاقله اش صد درصد بر غرایزش حکومت نکند طالب و تابع لذت است. انسان های عاقل و مسلط بر غرایز که لذت ها و رنج ها را با همه عواقب و نتایج در نظر می گیرند، طالب سعادت اند. هر کسی بالقوه طالب سعادت است؛ یعنی اگر درک قوی پیدا کند و قوه عاقله اش نیرو بگیرد و قدرت اراده و ملکات اکتسابی و یا صفات فطری کمکش دهد، طبعاً راه لذت بیشتر و رنج کمتر را انتخاب می کند.^۱

مفهوم لذت با تمرکز بر آیات و روایات

از جمله واژه های مرتبط با لذت و شادمانی در قرآن کریم و روایات، واژه های «لذت» «فرح»، «سرور»، «بهجت»، «نشاط» و «ابتهاج» می باشد. گرچه این واژه ها اغلب در زبان فارسی مترادف فرض می شوند، اما هر يك بار معنایی خاص دارند و محدود و مفهوم آنها مشخص شده است.

واژه لذت در سه جای قرآن، آن هم در خصوص ادراکات حسی به کار رفته که مربوط به مرتبه نازله ادراکات موافق طبع و میل انسان می باشد:

﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (زخرف/ ۷۱)؛ در آنجا هر چه دل ها خواهد و دیدگان بپسندد، هست و شما در آنجا جاودانه هستید.

در این آیه که در وصف بهشت می باشد، لذت به آنچه نفس بخواهد و دیده بپسندد، نسبت داده شده است.

در دو آیه دیگر واژه لذت در مورد ذائقه به کار رفته و به لذت آشامیدن اشاره شده است:

﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ * بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾ (صافات / ۴۵ و ۴۶)؛ برای آنان جامی از شرابی جاری بگردانند [و پیش آرند] سپید درخشان و لذت بخش

۱. همان، ص ۵۹.

آشامندگان.

﴿وَأَنهَارٍ مِّنْ خَيْرٍ لِّذَٰلِكَ لِّلشَّارِبِينَ﴾ (محمّد / ۱۵)؛ و نه‌هایی از شراب که برای نوشندگان سراپا لذت است.

لذت در این عالم در مورد امور حسی و ادراکات ملایم حواس پنج‌گانه به کار برده می‌شود؛ از این رو قرآن کریم در بیان چنین مواردی از واژه‌های متداول مردم همین عالم استفاده می‌کند. لذات اخروی را نیز به همین منوال توصیف کرده و برای ادراکات مطلوب بدنی و جسمی از واژه «لذت» استفاده شده است.

از منظر اسلام بهره‌مندی از لذت‌های مادی روا شمرده شده و در برخی روایات مردان و زنان تارک دنیا که خود را از لذایذ حلال زندگی محروم نموده و این محرومیت را سبب قرب خداوندی می‌پندارند، از مصادیق زیانکارترین مردم گنهکار شمرده شده‌اند.^۱

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ نَفْصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف / ۳۲)؛ بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگان پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این [زینت‌ها و روزی‌های پاکیزه] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگر چه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریک‌اند، ولی] در قیامت فقط ویژه مؤمنان است. ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می‌دانند بیان می‌کنیم.

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

«اجْعَلُوا لِنَفْسِكُمْ حَظًّا مِّنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَمَا لَا يَثْلُمُ الْمَرْؤَةَ وَمَا لَا سَرْفَ فِيهِ وَاسْتَعِينُوا بِذَٰلِكَ عَلَىٰ أُمُورِ الدُّنْيَا»؛ از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه‌های مشروع برآورید، مراقبت کنید در این کار به مردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و زیاده‌روی نشوید. تفریح و سرگرمی‌های لذت بخش شما را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید شد.

۱. بنگرید به: طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیران، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۵۰۴، ذیل آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ کهف. تارکان دنیا گرچه از لذائذ دنیا عبور کرده‌اند، اما در مقابل خود کوهی از غرور و خودپرستی سبز نموده‌اند.

۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۷۴۹.

بدین سان بهره‌مندی از لذایذ مادی در اسلام تجویز شده است، ولی این بهره‌مندی دارای شروطی بدین شرح می‌باشد:

۱- وابسته نشدن به لذت‌های مادی

انسان برای اینکه به زندگی خویش رونق بخشد، به تنعم و تجمل رو می‌آورد و برای اینکه قدرتمندتر شود و از شرایط زندگی بهره‌مند گردد، در صدد تملک اشیاء برمی‌آید؛ از طرف دیگر تدریجاً به آنچه آنها را وسیله تنعم و تجمل و یا ابزار قدرت خویش قرار داده، خومی‌گیرد و شیفته آنها می‌گردد و عاجز و ذلیل آنها می‌شود؛ یعنی همان چیزی که مایه رونق و صفای زندگی اش شده بود، شخصیت او را بی‌رونق می‌کند و همان چیزی که وسیله کسب قدرت او در طبیعت شده بود، در درون او را ضعیف و زبون می‌سازد و به صورت برده و بنده آن چیز درمی‌آید.^۱ پیامبران الهی خفیف المؤمنه بوده‌اند. از این رو شرط لازم آزادگی، دلبستگی نداشتن است. هر چه وابستگی انسان به امور مادی کمتر باشد، امکان حرکت و پویایی وی بیشتر است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلُم إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (توبه/ ۳۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین می‌خکوب می‌شوید (و سستی به خرج می‌دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جزاندکی نیست! اشتغال به لذایذ دنیوی و روح راحت‌طلبی، مانع از تسلیم در برابر خواسته الهی می‌شود. نمونه‌هایی از آن در قرآن آمده است که گاهی افراد برای فرار از جهاد بهانه‌هایی می‌آوردند؛ مانند اینکه هوا گرم است، فصل میوه‌چینی و کشاورزی است و زمانی می‌گفتند که خانه‌هایمان حافظ و نگهبانی ندارد و در معرض خطر است و یا اموال ما و خانواده‌مان ما را گرفتار کرده‌اند.^۲

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۲۶.

۲. رجوع شود به سوره احزاب و آیه ۱۱ سوره فتح.

آنچه منشأ بدبختی و انحطاط آنها می‌شد، روح راحت‌طلبی و دلبستگی به لذت‌های آنی و زودگذر بود و علاجش تقویت معرفت و ایمان است تا بدانند که این لذت‌ها، زودگذر و ناپایدار است و در مقابلش لذاذات اخروی بهتر و پایدارتر است.^۱

در حقیقت آنچه را که انسان در دوران زندگی از ثروت و فرزند به دست می‌آورد زینت‌های زندگی و زیورهای فریبنده‌اش می‌باشند که به زودی از بین می‌روند. حال اگر این زینت‌های زندگی، انسان را از یاد و پرستش خدا غافل کرده، به آنها دل ببندد و خیال کند که واقعاً مالک آنهاست، بدیهی است با از بین رفتن آنها و جدا شدن انسان از آنها برای آدمی جز خا طره‌ای که پس از بیداری از خواب یاد می‌کند چیزی باقی نمی‌ماند.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّمَنَّا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿کهف/ ۷ و ۸﴾؛ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند! (ولی) این زرق و برق‌ها پایدار نیست، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاک بی‌گیاهی قرار می‌دهیم!

۲- توجه به وسیله بودن لذت‌های مادی

لذاذات مادی در فرهنگ اسلامی نقشی ابزاری در سازندگی شخصیت انسان دارد و هر لذتی در وجود انسان زمینه استکمال یکی از ابعاد شخصیتی انسان را فراهم می‌کند. از این رو در فرهنگ اسلامی تلذذ مادی جایگاهی هدفمند ندارد و خداوند لذاذات را به منظور رفع خستگی و ایجاد نشاط و طراوت بخشیدن به جان‌ها در سیر تکامل معنوی انسان‌ها قرارداده است، از طرف دیگر، لذت در وجود انسان، عاملی تحریک‌کننده برای حفظ حیات انسان (حفظ نوع و نسل بشر) است.

از منظر اسلام هدف از مصرف کالاها و خدمات، کسب نیرو و قدرت برای انجام تکالیف عبادی و تقرب الهی است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«الْأَكْلُ لِلقُوَّةِ لَا لِلشَّهْوَةِ»^۲؛ غذا را نه به منظور تمایلات شهوانی، بلکه به هدف نیرو

۱. مصباح، محمدتقی، لذت و سعادت در قرآن، ص ۲۱.

۲. مشکینی، علی، تحریر المواعظ العددیه، ص ۴۱۲.

گرفتن بخورید.

حضرت علی علیه السلام نیز هدف از توانمند شدن را در مسیر خدمت الهی قرار گرفتن می‌داند و می‌فرماید:

«يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي»؛ پروردگارا، اعضای مرا بر انجام خدمت نیرو ده و دلم را برای عزیمت به سویت محکم گردان. توقف در تعالی و کمال و اکتفا به مراتب پایین لذت و حرص برای گردآوری مال و ثروت، انسان را شبیه چهارپایان می‌کند و به شدت مورد نکوهش خداوند و اولیای الهی است و مجازات اخروی در بردارد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ (محمّد/۱۲)؛ کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می‌گیرند و همچون چهارپایان می‌خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست!

﴿ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر/۳)؛ بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی به زودی خواهند فهمید.

۳- کنترل لذت‌ها

برای آنکه لذت‌گرایی جنبه وسیله و ابزار بودن خود را حفظ کند، باید در درون انسان کنترل و محدود شود؛ زیرا مبدأ لذایت حسی، غرائز است که مطبوع نفس انسان است و همواره به آزاد و رها بودن گرایش دارد و دائماً انسان را به خطا و نابودی می‌کشاند.

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«خدایا به سوی توشکایت می‌آورم از نفسی که مرا همواره به بدی و اِی دارد و به سوی گناه شتاب دارد، و به نافرمانی هایت حریص است و به موجبات خشم دست‌درازی می‌کند، مرا به راه‌هایی که منجر به هلاکت می‌شود می‌کشاند، و به صورت پست‌ترین نابودشدگان درمی‌آورد، بیماری‌هایش بسیار و آرزویش دراز است. اگر شری به او رسد بی‌تاب می‌شود و اگر خیری نصیبش گردد سرکشی می‌کند، به اسباب بازی و

۱. بخشی از دعای کمیل.

سرگرمی‌های بیهوده بسیار متمایل و از بی خبری و فراموشی انباشته است.^۱
امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عبد الشهوة اذل من عبد الرِّقَّ»؛ آن کس که بنده شهوت است از برده زرخید، خوارتر است.

از این رو پروردگار در تمتع و برخورداری از لذایذ حلال، زمینه‌گرایش به امور منفی را جهت رشد شخصیت متعادل انسان می‌بندد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل/۹۰)؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکروستم، نهی می‌کند. خداوند به شما اندرز می‌دهد؛ شاید متذکر شوید!

انسان باید در به کارگیری نعمت‌های پروردگار و کسب لذت به دقت مراقبت نماید که مطیع هوای نفسش نباشد و از لذت‌های حرام و خلاف فرمان الهی چشم‌پوشد. همچنین در استفاده از لذت‌های حلال، میانه‌روی را سرلوحه خویش قرار دهد.

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق در مورد حق شکم می‌فرماید:
«اما حق شکم تو این است که آن را ظرفی برای پرکردن کم و زیاد از حرام قرارش ندهی و در مورد حلال آن میانه‌روی پیشه کنی...»^۲.

البته بشر نمی‌تواند از شرایط ضروری طبیعی که به حکم قانون طبیعت در وجود او نهاده شده خود را رها کند، اما می‌تواند در استفاده از مواهب مادی برای رفع نیازمندی‌های ضروری اش حد اعتدال و میانه‌روی را رعایت نماید و یا در حالت ایده‌آل به حداقل استفاده از آنها بسنده کند.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

۱. مفاتیح الجنان، مناجات شاکین: «إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، وَالْأَلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادَرَةً، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَبَسَخْطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْأَمْهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعَلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَرَّعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مُمْلِئَةً بِالْعَقْلَةِ وَالسَّهْوِ».

۲. فلسفی، محمدتقی، روایات تربیتی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳. «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ، فَأَنْ لَا تَجْعَلَهُ وِعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لَكَثِيرٍ أَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ...».

«کمترین حق خدا بر شما این است که از نعمت‌های الهی در گناهان یاری نگیرید.»^۱

۴- توجه به لذت‌های مادی و معنوی در کنار هم (گسترش دایره لذت‌ها)

در اسلام توصیه شده از هر دو لذت مادی و معنوی بهره‌مند شوید و نباید استفاده از یکی به بهای از دست دادن دیگری باشد. خدای متعال می‌فرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ (قصص/۷۷)؛ «و در آنچه خدا به توداده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِدُنْيَا»^۲؛ آن کس که دنیایش را برای دینش، یا دینش را برای دنیایش از دست بدهد، از ما نیست.

خداوند انسان را نیازمند مطلق آفریده و پیوسته حالت طلب نیاز را در وجود انسان ایجاد کرده است، به گونه‌ای که برای ارضای هر نیازی یک عامل طبیعی در متن خلقت آفریده است که آن عامل پاسخگوی آن نیاز خواهد بود.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر/۱۵)؛ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدا هستید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.

خداوند انسان‌ها را فقیر و محتاج معرفی کرده؛ حال بسته به معرفت انسان‌ها در کسب ارزش‌ها، احساس فقر در افراد متفاوت می‌شود. هرچه فرد خود را بیشتر محتاج پروردگار بداند و احساس فقر بیشتری داشته باشد از لذت‌های مادی به سمت لذت‌های معنوی و متعالی گرایش پیدا می‌کند. انسان با ارضای نیاز به سکون و آرامش می‌رسد و شخصیت او رشد می‌کند و در پرتو رشد شخصیت، خواسته‌های انسان متعالی‌تر خواهد شد. سپس مرحله خیز برای ارضای خواسته‌های متعالی‌تر به سمت کمال در رشد

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰.

۲. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۵، ص ۷.

متعادل شخصیت انسانی برداشته خواهد شد. پاسخگویی به همه نیازها به منظور نیل به هدف نهائی، هدف اعلای زندگی است. اساساً خلیفه الهی بودن انسان منوط به کسب تعداد بی شماری از صفات الهی در نفس انسان در دوران زندگی است؛ اما برای کسب کمال و تعالی و درک لذایذ معنوی، تحمل رنج و سختی اجتناب ناپذیر است. حال اگر ارضای تمامی این نیازها و رکن زندگی انسان بر لذت گرایی صرف استوار گردد، تحمل سختی ها برایش دشوار می گردد؛ از این رو انسان های لذت طلب در برابر آن زمینگیر می شوند و عنان صبر و تحمل پذیریشان در برابر مشکلات و نارسایی ها مهار ناپذیر و غیر قابل کنترل می گردد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

«حُقَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَاَرِهِ وَ حُقَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ»؛ بهشت به سختی ها، و دوزخ به تمایلات و خواهش های نفسانی پیچیده شده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«الْمَكَاَرِمُ بِالْمَكَاَرِهِ»؛ تا انسان امور ناخوشایند و رنج آور را بر خود تحمیل نکند به کرامت نمی رسد.

۵- اولویت دادن به لذت های ماندگار و پایدارتر

در قرآن کریم و نیز گفتار امامان معصوم علیهم السلام لذت های معنوی که ماندگارترند بر لذت های ناپایدار مادی ترجیح داده شده اند.

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (اعلی / ۱۶-۱۷)؛ ولی شما زندگی دنیا را

مقدم می دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است!

در این آیه با ذکر دو واژه «خیر» و «ابقی» مشخص می کند که لذت آخرت از لذت دنیا از نظر کیفی بهتر و به لحاظ کمی پایدارتر است.

از امام علی علیه السلام نقل شده است:

۱. نهج البلاغه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، حکمت ۱۳۸۶.

۲. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۱.

«أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ لَذَّةَ فَانِيَةٍ لِلذَّائِلَةِ بَاقِيَةٍ»^۱؛ خوشبخت‌ترین مردم کسی است که برای لذت باقی، دست از لذت فانی بردارد.
«قَلِيلٌ يَدُومُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مُنْقَطِعٍ»^۲؛ لذت و نعمت اندک ماندگار، بهتر از زیاد ناپایدار است.

از این روانسان‌های متعالی تنها با ارضای تمتعات مادی حلال راضی نمی‌شوند؛ زیرا روی آوردن یک جانبه به تمتعات مادی در حاصل جمع از خوشی و لذت و آسایش واقعی بشرمی‌کاهد و با توجه به اینکه لذات روحی عمیق‌تر و بادوام‌تر از لذات بدنی است، آنان خواستار کسب عالی‌ترین لذت‌های روحی و معنوی هستند؛ زیرا روح در عین اینکه به نوعی با بدن اتحاد و یگانگی دارد، کانون مستقلی در برابر آن می‌باشد و به نوبه خود بیش از بدن، نیازمند به تغذیه و تهذیب و تقویت و تکمیل است. انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و تنعم و اسراف در لذات، او را در آنچه هنر و کمال انسانی است ضعیف‌تر و زیون‌تر می‌سازد، برعکس پرهیز از برداشت و برخورداری (البته در حدود عقلانی و معین) گوهر او را صفا و جلا می‌بخشد و فکر و اراده را نیرومندتر می‌کند.^۳

۶- رسیدن به عالی‌ترین لذت

چنان‌که بیان شد، انسان‌ها از ارضای امیال فطری خود احساس لذت می‌کنند. بی‌نهایت بودن خواسته‌های فطری از امتیازات خاص انسان است. این امیال با اینکه به امور مختلفی تعلق می‌گیرند، سرانجام همه آنها به هم می‌پیوندند و ارضای نهایی آنها در یک چیز خلاصه می‌شود و آن عبارت است از ارتباط با سرچشمه بی‌نهایت علم، قدرت، جمال و کمال و وابستگی به موجود بی‌نهایت کامل، یعنی قرب خداوند. انسانی که با این نوع لذت آشنا می‌شود همه لذت‌های دیگر را در برابر آن ناچیز و بی‌ارزش می‌بیند و

۱. صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهره، ترجمه محمد رضا انصاری، ص ۵۴۲.

۲. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۴۲.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۱۷ و ۵۳۹.

تحمل همه رنج‌ها و سختی‌ها را برای رسیدن به آن آسان می‌یابد و تنها بیم آن دارد که مبدا چنین لذتی ارزنده از دستش برود، لذا حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«فَهَبْنِي يَا اَللهِی وَ سَيِّدِی وَ مَوْلَایَ صَبْرْتُ عَلٰی عَذَابِکَ، فَکَیْفَ اَصْبِرُ عَلٰی فِرَاقِکَ»؛^۱

گیرم که ای خدای من و ای آقا و مولای من بر عذاب تو صبر کردم، ولی چگونه بر فراق و جدایی تو صبر توانم کرد.

و نیز در مناجات شعبانیه آمده است:

«وَ اَلْحَقْنِی بِنُورِ عَزِّكَ الْاَبْهَجِ، فَاَکُوْنَ لَکَ عَارِفًا وَ عَنِ سِوَاکَ مُنْحَرِفًا»؛ مرا به نور پر بهجت خویش ملحق ساز، تا شناسای تو گشته، با غیر تو بیگانه شوم.



نمودار ۱. شروط بهره‌مندی لذت از دیدگاه اسلام

منبع: یافته‌های تحقیق

رابطه لذت و سعادت با تمرکز بر آیات و روایات

تلذذ مادی صرف بر ارضای غرائز استوار است، اما انسان غریزه تنها نیست، بلکه

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از دعای کمیل.

مجموعه‌ای از قوا، احساسات، غرائز، توانایی‌ها و استعدادهای بی‌شمار است؛ در نتیجه ارضای غرائز با یک بُعد از ابعاد وجودی انسان (یعنی غریزه) هماهنگ است، اما با دیگر توانایی‌ها و قوا به ویژه قوه عقلانی ناسازگاری دارد. از این رو لذت‌گرایی در حالت ایده‌آل تنها یکی از ابعاد گوناگون انسان را ممکن است به کمال رساند، اما بنابر تعریف سعادت که باید همه علل و اسباب با مجموعه شخصیت فرد همراه و هماهنگ باشد و مطابق با تعریف مصلحت که به معنای همه‌جانبه‌گری در پاسخگویی به نیازها به صورتی است که هیچ ناموزونی بین شکوفایی استعدادها ایجاد نشود، مصلحت آن است که لذا باید به گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که با تمام استعدادها و اجزای شخصیت انسان هماهنگ باشد. لذت‌گرایی صرف، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا عناصر شخصیتی انسان تجزیه شود، در حالی که شخصیت انسان یک کل تجزیه‌ناپذیر است، اگر آن را تجزیه کنند موجب می‌شود تا در وجود انسان اختلالات روحی و انحرافات اخلاقی رسوخ کند و اصولاً چیزی به نام تعالی و رشد همه‌جانبه محقق نخواهد شد.

حال آیا می‌توان از سیستمی پیروی نمود که همه استعدادهای انسان را هماهنگ به گونه‌ای شکوفا نماید که اولاً میان قوای گوناگون و نیازهای جسمی و روحی انسان تعارض و تضاد ایجاد نشود، ثانیاً در دوران زندگی، مرحله به مرحله، سطح خواسته‌های مادی و توانایی‌های انسان را به سمت تعالی و کمال ارتقا دهد تا مراحل رشد معنوی خود را طی نماید و بالاخره زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی وی شود؟

قرآن مجید در دو آیه از واژه سعادت سخن به میان آورده و در این آیات عاقبت نیک‌بختان و بدبختان را بیان کرده است:

﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * ... وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُوذٍ﴾ (هود/۱۰۵-۱۰۸)؛ در آن روز هیچ کس جز به فرمان خدا سخن نگوید. آن‌گاه برخی از آنها شقی (که خیرات وجودی خود را به هدر داده) و برخی نیک‌بخت (به همه خیرات وجودی خود دست یافته‌اند) می‌باشند. و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند ... و اما کسانی که نیک‌بخت شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در بهشت جاودان‌اند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که

این [بخششی است که بریدنی نیست.

نویسنده کتاب *التحقیق براساس آیات یادشده*، معتقد است سعادت سه مرحله دارد:
۱- سعادت فطری: که به حسب اقتضای اسباب و علل می باشد. در این مرحله، خصوصیات پدر و مادر و زمان و مکان و غذا و تحولات آن تا دمیده شدن روح، همگی دخیل بوده و مؤثر می باشند.

۲- سعادت اکتسابی: که به وسیله اعمال و عبادات و طاعات به دست می آید.

۳- سعادت فعلی: این سعادت از دو مرحله قبلی حاصل شده و به صورت ثواب یا عقاب، در آخرت ظاهر می شود.^۱

مراد از سعادت و شقاوت در آیات یاد شده، سعادت و شقاوت فعلی و متحصل است که براساس ثواب و عقاب در آخرت تحقق می یابد. سعادت اصیل در متون دینی سعادت اخروی یا سعادت نفسانی است، لذا در قرآن سعادت جسمانی، اندک شمرده شده و فرموده است:

﴿لَا يَغْرَتُكَ تَقْلُبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُسَّ الْمِهَادُ﴾ (آل عمران / ۱۹۶ و ۱۹۷)؛ «مبادا جنب وجوش و رفت و آمد (با امکانات و سودجویانه و پیروزمندانه) کسانی که کفرورزیده اند در شهرها تورا فریب دهد. این برخورداری اندکی است (از دنیا)، سپس جایگاهشان جهنم است و آن بد آرامگاهی است.

بنابراین، سعادت در مفهوم دینی دست یافتن به خیر است. انسان به هر مرتبه ای از خیر که دست یابد بر آن اطلاق سعادت می کنند، بزرگ ترین مرتبه سعادت یا سعادت غایی، نیل به بهشت است. بدین ترتیب از آنچه مطرح گردید، عنصر مشترک در تعریف سعادت را می توان موارد ذیل برشمرد:

۱- تلاش و کوشش آدمی در جهت خیر و پیروی از دستورات الهی؛

۲- توفیق الهی که به صورت یاری رساندن و پشتیبانی کردن آدمی ظاهر می شود.

آثار این دو عامل در دنیا به صورت تقویت اراده آدمی در جهت ثبوت در راه خیر و رسیدن به یمن و برکت و آرامش بوده، در آخرت به صورت ورود به بهشت و متنعم شدن از

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۵، ص ۱۴۵-۱۴۷.

نعمت‌های غیرمترقبه و در نهایت رسیدن به مقام رضوان الهی خواهد بود.

از منظر اسلام هر یک از ابعاد وجودی انسان از تکلیف مربوط به خود و سهم تعیین شده از طرف خداوند برخوردار است، به گونه‌ای که اگر افراد جامعه براساس آن رفتار کنند، اعتدال بر شخصیت فرد و نظام اجتماعی حاکم خواهد شد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾ (ملک/۳)؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟!

﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (طلاق/۳)؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى * وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ (اعلیٰ / ۲ و ۳)؛ همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«از افراط در کار و تلاش بیش از حد پرهیز و همچنین از سستی و مسامحه‌کاری اجتناب نما که این هر دو، کلید تمام بدی‌ها و بدبختی‌هاست؛ زیرا افراد مسامحه‌کار انجام وظیفه نمی‌کنند و حق کار را آن طور که باید ادا نمی‌نمایند، و افراد زیاده‌رو، در مرز حق، توقف نمی‌نمایند و از حدود مصلحت تجاوز می‌کنند.»^۱

امام رضا (علیه السلام) در خصوص استفاده مطلوب از اوقات شبانه روز می‌فرماید:

«کوشش کنید که زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید: ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای آمیزش و مصاحبت برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان واقف می‌سازند و در باطن نسبت به شما خلوص و صفا دارند و ساعتی را به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از مسرت و نشاط ساعت تفریح است که نیروی انجام وظایف سه ساعت دیگر را تأمین می‌کنید.»^۲

۱. فلسفی، محمد تقی، روایات تربیتی، ج ۲، ص ۲۹۴. «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الصَّجَرَ، فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ، مَنْ كَسِلَ لَمْ يُوَدِّ حَقًّا وَ مَنْ صَجَرَ لَمْ يَضِرْ عَلَى حَقٍّ».

۲. همان، ص ۱۳۵. «واجتهدوا ان يكون زمانكم اربع ساعات: ساعة لله لمناجاته وساعة لأمر المعاش و نقل به صفحہ بعد ←

خداوند در پاسخگویی به نیازهای انسان، سیستمی عادلانه و سعادت آفرین ارائه نموده که مشخص می‌کند چه عاملی باید چه نیاز خاصی را پاسخ دهد و برای هر نیازی چه سهم و اندازه‌ای تعیین شده است. افراط و تفریط، انسان را از حالت تعادل و آرامش دور می‌کند.

بدیهی است در صورتی که حلقه‌ای از مجموعه حلقه‌های این سیستم هماهنگ، حذف یا دگرگون شود، انتظار تحقق نتایج مطلوب وعده داده شده امری بیهوده و غیرممکن خواهد شد.

بدین ترتیب بر پایه مبانی اعتقادی اسلام، انسان دارای جسم و روح و حیات دنیوی و اخروی مرتبط باهم است. انسان فقط با اعتقاد و درک درست از لذت‌های بی‌پایان، پایدار و گسترده جهان آخرت می‌تواند تفسیری پذیرفتنی از سعادت ارائه دهد. قرآن حکیم برخی از نتایج رفتارهای نیکو در این دنیا را که در آخرت پاداش شایسته خواهد داشت بیان می‌کند:

﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (غافر/۴۰)؛ هر کس بدی کند، جز به مانند آن کیفر داده نمی‌شود، ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد یا زن - در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آنها داده خواهد شد.

در قرآن و گفتار ائمه به ویژه امیرمؤمنان (علیه السلام) اعمال در دنیا به صورت متاعی برای تجارت در آخرت شمرده شده است.

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾ (توبه/۱۱۱)؛ خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد.

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ (نحل/۹۶)؛ آنچه در دسترس شماست زوال‌پذیر

→ نقل از صفحه قبل

ساعة لمعاشرة الاخوان الثقات والذين يعرفونكم عيوبكم ويخلصون لكم في الباطن وساعة تخلون فيها للذاتكم وبهذه الساعة تقدرون على الثلاث الساعات».

است؛ اما آنچه نزد خداست ابدی و ماندگار است.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«الاعمال فی الدنیا تجارة الآخرة»^۱؛ کردارها (متاعی) در دنیا (برای) بازرگانی آخرت

است.

«من اتخذ طاعة الله بضاعة أتته الأرباح من غیر تجارة»^۲؛ هر که فرمانبرداری خدا را

سرمایه قرار دهد، برای او سودهای بی تجارتی فراهم آید.

آن حضرت با نوعی محاسبه منطقی می فرماید: در صورتی که مردم چیزی از دنیا را برای دنیا به دست آورند از کفشان می رود و بر آن محاسبه خواهند شد، اما اگر چیزهای فانی شدن دنیا را توشه آخرت کنند، برایشان جاودان باقی خواهد ماند.

«ای بندگان خدا! از خدا پرهیزید و با اعمال نیکوبه استقبال اجل بروید. با چیزهای فانی شدنی دنیا آنچه که جاویدان می ماند خریداری کنید ... مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می برد باید بهترین توشه را با خود بردارد. از این خانه دنیا زاد و توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبانتان باشد»^۳.

گرچه در این دنیا مقام رحمانیت و فیض عام خداوند، هم دنیاخواهان و هم آخرت طلبان را در بر خواهد گرفت، اما نه همه دنیا پرستان به دنیا و آرزوهای دور و درازشان می رسند و نه آنها که می رسند به همه آنچه می خواهند دست می یابند و نهایتاً خداوند آتش دوزخ را برای دنیا پرستان قرار خواهد داد، در حالی که در مورد عاشقان آخرت می فرماید به سعی و تلاش آنان پاداش داده خواهد شد و از انواع نعمت های مادی و معنوی و آنچه در تصور نگنجد، به یقین بهره مند خواهند شد.

از این رو با استناد به آیات و روایات و مطابق با عقلانیت اسلامی می توان گفت

۱. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم، ج ۷، ص ۲۷۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۸۵.

۳. نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۶۴، ص ۱۱۲: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَبَادِرُوا أَجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ ... إِنَّ قَادِمًا يَقْدَمُ بِالْفَوْزِ أَوِ الشَّقْوَةِ لَمْ يَسْتَحِقْ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ، فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْزُرُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ عَدَاً».

سعادتمند واقعی کسی است که بتواند همه دارایی‌ها و امکانات ناپایدار دوران زندگی خود (نظیر مال و ثروت، حیثیت و آبرو، زمان، توان جسمی، تخصص و دانش) را در معامله با خداوند به حداکثر پاداش‌ها و رضایت ماندگار الهی تبدیل نماید.

نتیجه‌گیری

قطعاً گسترش فرهنگ سعادت‌گرایی و توجه به جهت‌گیری‌های حاکم بر آن براساس آموزه‌های اسلامی می‌تواند به اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی و اقتصادی کمک نموده، زمینه ساز تعالی و تکامل افراد جامعه در مسیر رستگاری و خوشبختی واقعی باشد. یافته‌های پژوهش مشخص می‌کند که اسلام برای کسب لذت و رسیدن به سعادتمندی دستورالعمل‌هایی ارائه می‌دهد. توجه به وسیله بودن لذت‌ها و وابسته نشدن به آنها برای رسیدن به هدف و الاثر ضروری است. برای اینکه لذت‌ها جنبه ابزاری بودن خود را حفظ کنند ضرورت دارد، لذت‌گرایی در درون انسان کنترل و محدود شود. از طرف دیگر، علاوه بر استفاده از هر دو لذت مادی و معنوی همواره انسان‌ها به انتخاب لذت ماندگارتر و پایدارتر هدایت می‌شوند تا بتوانند به لذت متعالی «قرب الهی» دست یابند.

شاید بتوان چالش اساسی در این زمینه را یافتن راهکارهای کارآمد برای نهادینه کردن اخلاق سعادت‌مدارانه اسلامی و مهندسی فرهنگی آن دانست. نیل به این هدف نیازمند بررسی‌های نظری و کاربردی در مورد زمینه‌های شکل‌گیری برنامه‌ها و نظریه‌های اقتصادی، اجتماعی مبتنی بر همه‌جانبه‌نگری و رشد هماهنگ متعادل در شخصیت انسانی و طرح و آزمون راهکارهای مناسب برای تشخیص انحراف از جاده اصلی و مقابله با تخللفات ظاهر شده است که قطعاً در طرح همه‌جانبه‌نگر در شکوفایی استعدادها باید این موارد در نظر گرفته شود:

۱. در گام نخست باید همه راه‌های انحرافی و فساد انگیز که به تعالی و تکامل جسمی، روحی و معنوی فرد و جامعه ضرر و زیان وارد می‌سازد شناسایی شده، اقدامات لازم برای مسدود نمودن آنها صورت پذیرد.

۲. به تک تک نیازهای مادی و معنوی انسان، آن‌گونه که در شأن مقام و کرامت انسانی است، پاسخ داده شود.

۳. در ارضای نیازهای مادی و معنوی انسان باید هماهنگ عمل شود تا پاسخگویی به این نیازها با دیگر قوا و ابعاد و نیازهای انسان تزامن و تعارض نداشته باشد.

۴. نیازهای انسان را از مجرائی که نظام هستی (فطرت) تأیید می‌کند ارضاء نماید و اندازه و سهم ارضاء هر نیاز را به صورتی تعیین نماید که افراط در ارضاء برخی از آنها موجب تفریط یا فراموشی دیگر نیازها و ابعاد شخصیت انسانی نشود و آرامش و اعتدال روحی و معنوی شخصیت انسانی حفظ شود.

۵. در دوران زندگی همواره سطح خواسته‌های انسان را در مراحل رشد زندگی، متعالی‌تر نماید تا مراحل رشد معنوی خود را در سیر تقرب الهی بگذراند و بالاخره زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی وی شود.

در پایان، باتوجه به تأکید فراوان اسلام بر مسئله سعادت‌گرایی، مطالعات تحقیقی بعدی می‌تواند به تبیین روش رویکرد سعادت‌مدارانه مورد نظر اسلام در ارزیابی نظریه‌های اقتصادی اجتماعی بپردازد و کارکرد آن را در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در چارچوب اقتصاد اسلامی در مقابل رویکرد لذت‌گرایانه ارتدوکس نئوکلاسیکی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

منابع

۱. آیزنک، مایکل، همیشه شاد باشید، ترجمه ز. چلونگر، انتشارات نسل نواندیش، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲. ابن سینا، علی بن الحسین، الشفاء - الطببیعیات، راجعه و قدم له ابراهیم مدکور، تحقیق الدكتور محمود قاسم، منشورات مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. _____، الاشارات والتنبیها، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴. _____، الرسائل، رسالة فی السعادة، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۵۳ ق.
۵. _____، رساله اضحویه، با تصحیح، تعلیق و مقدمه حسین خدیوچ، مترجم نامعلوم، انتشارات اطاعات، بی‌جا، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، الدارالمصریه.

۷. ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۸. الترمذی، محمد بن عیسی، السنن، دارالمعرفه، ۱۴۲۳ ق.
۹. الفارابی، ابونصر، فصوص الحکم، تحقیق الشیخ محمد حسن آل یاسین، انتشارات بیدار، قم؛ الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، دارالحديث، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. پلاچیک، روبرت، هیجان ها (حقایق، نظریه ها و یک مدل جدید)، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، نشر آل علی، بی تا.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیة، ج ۵، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. خوانساری، جمال الدین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. الرازی، ابوبکر محمد بن زکریا، رسائل فلسفیه، منشورات دارالآفاق الجدیده، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۲ ق.
۱۷. _____، المباحث المشرقیه و علم الالهیات والطبیعیات، مکتبه الاسدی، تهران، ۱۹۶۶ م.
۱۸. _____، شرح الاشارات والتنبیها، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. _____، شرح عیون الحکمه، تحقیق الدكتور الشیخ احمد حجازی احمد السقا، منشورات مؤسسة الامام الصادق (علیه السلام)، للطباعة والنشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. _____، المحاکمات بین شرحی الاشارات، مع حاشیه میرزا حبیب الله مشتهر بالفضل الباغنوی، تصحیح مجید هادی زاده، انتشارات میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۲۲. رجبی، محمود، انسان شناسی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. ژکس، فلسفه اخلاق حکمت عملی، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، انتشارات

- کتاب‌های سیمرخ وابسته به امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۲۴. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ‌اشراق، به تصحیح و تحشیه و مقدمه سید حسین نصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲۵. شیدان، حسینعلی، عقل در اخلاق از نظرگاه غزالی و هیوم، مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه، قم، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. شیروانی، علی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، دارالفکر، قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهره، ترجمه محمد رضا انصاری، مرکز چاپ و نشر، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. _____، تفسیر القرآن الکریم، نشر محراب، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳۰. ضمیران، محمد، «بازی و لذت»، کتاب ماه، ۱۳۸۰ ش.
۳۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۳۲. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، شرکت انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.
۳۳. _____، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، شارح علامه حلی، حواشی و تعلیقات السید ابراهیم الموسوی الزنجانی، منشورات شکوری، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان (۲۰ جلد)، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۳۵. الفارابی، ابونصر، فصوص الحکم، تحقیق الشیخ محمد حسن آل یاسین، انتشارات بیدار، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، دارالهجره، قم، ۱۴۱۰ ق.
۳۷. فلسفی، محمدتقی، الحدیث روایات تربیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۸. قاسمی، علی، معجم الاستشهادات، مکتب لبنان ناشرون، بیروت، ۲۰۰۱ م.
۳۹. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی - انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.
۴۱. _____، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵ ش.
۴۲. کی فرانکنا، ویلیام، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، طه، قم، ۱۳۷۶ ش.
۴۳. لانس سی بکر، شارلوت بی بکر، *تاریخ فلسفه غرب*، گروهی از مترجمان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۷۸ ش.
۴۴. لین لنکستر، *خدایان اندیشه سیاسی*، ترجمه علی رامین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۴۵. مدرسی، سید محمدرضا، *فلسفه اخلاق*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۴۶. مشکینی، علی، *تحریر المواعظ العددیه*، ناشر الهادی، قم، ۱۴۲۴ ق.
۴۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۸. مصباح، محمدتقی، *انسان / اسلام*، انتشارات پیام اسلام، قم، ۱۳۵۸ ش.
۴۹. _____، *لذت و سعادت از دیدگاه قرآن کریم*.
۵۰. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، نشر صدرا، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۵۱. _____، *مقالات فلسفی*، انتشارات حکمت، بی جا، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۵۲. ملکیان، مصطفی، *تاریخ فلسفه غرب*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹ ش.
۵۳. میرمعزی، حسین، «نقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه اسلام»، کتاب *نقد*، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۸۷ ش.
۵۴. نراقی، مهدی بن ابی ذر، *اللمعة الالهیه فی الحکمة المتعالیه و الکلمات الوجیزه*، نشر عهد، قم، ۱۳۸۱ ش.
۵۵. نراقی، ملا محمد مهدی، *جامع السعادات*، نشر حکمت، تهران، ۱۴۰۵ ق.
۵۶. نصیری، منصور، «سود گرایی برین»، *فصلنامه پژوهشی پژوهش نامه اخلاق*، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۹ ش.